

ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آیت‌الله موسوی اردبیلی

حضرت آیت‌الله العظمی جناب آقای موسوی اردبیلی

با سلام و تحیت و دعا برای سلامتی حضرتعالی و آرزوی توفیق جلب و کسب رضایت الهی و خدمت به ایران و اسلام.

به یقین می‌دانیم که به علت اشراف کافی به مسائل روز از ستم‌هایی که بر اقشار مختلف ملت و گروه‌های سیاسی از جمله به نهضت آزادی ایران و اعضای آن، روزنامه‌نگاران و دانشجویان عزیز طی سال‌های اخیر رفته است اطلاع کافی دارید با این همه برای مزید اطلاع و فایده تکرار و تذکر، یک نسخه از دادنامه صادره توسط شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران و یک نسخه از بیانیه اخیر ارسال می‌گردد.

حضرت عالی خود از مفسرین و شارحین کتاب و سنت هستید و از آن‌چه که امروز به نام روحانیت شیعه با ادعای طرفداری از مرجعیت و فقاقت و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت سلام‌الله علیهم اجمعین در کشور می‌گذرد به خوبی واقفید، با جود این به حکم؛ «فذكر ان الذکری تنفع المؤمنین، معذره الی ربکم و لعلم یتقون» وظیفه خود می‌دانیم که از باب انجام تکلیف و نیز به عنوان هشدار نسبت به واقعیت‌ها و پیامدهای اعمال ناروایی که به نام دین و روحانیت انجام می‌شود و این که نتایج مصیبت بار آن بر طبق آیه شریفه و اتقوا فتنه لاتصیبین الذین ظلموا منکم خاصه»، تنها متوجه مسببین، آمرین و عاملین آن نخواهد بود، اعلام خطر نمائیم و هشدار بدهیم.

اگر نهضت آزادی ایران در همان ماه‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی اصرار داشت که نام اسلام بر نهادهای مختلف کشور گذارده نشود، بر حضرت عالی و همگان پوشیده نیست که نه به دلیل سستی یا عدم اعتقاد به اسلام، بلکه به این دلیل بود که بعداً خطاها و تخلفات احتمالی گردانندگان و مسئولین کشور به حساب اسلام نوشته نشود و چهره نورانی اسلام مخدوش نگردد، این چنین که امروز اتفاق افتاده است.

آیا از مسئولان امور نباید پرسیده شود که چرا نتیجه شصت سال حکومت پهلوی با آن همه تبلیغ علیه اسلام راستین و تشویق جوانان به فساد و بی‌بند و باری، اقبال و رویکرد قشرهای مختلف مردم به ویژه جوانان و تحصیل‌کرده‌ها به دین و دینداری بود ولی نتیجه حکومت بیست و چند ساله به نام دین و روحانیت، دین‌گریزی، فساد، شیوع رشوه و ارتشاء و رباخواری و رویگردانی نسل دین و جوان از روحانیت و باورهای دینی بوده است؟ آیا نباید به ریشه‌یابی این رخدادها فاجعه‌آمیز پرداخت؟ و آیا اگر کسی یا گروه و حزبی از جمله نهضت آزادی ایران بنابر احساس وظیفه و تکلیف مستتنبط از حکم الهی: «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» و قصد اصلاح انگشت بر منهیات و منکرات بیّن و آشکار گذاشت، باید به تیرهای تهمت، افترا و تکفیر، انحلال و زندان محکوم و

گرفتار شود؟ آیا به نظر حضرت عالی پاداش و سزای مردان و زنان مخلص و دلسوز نسبت به اسلام و ایران برای هشدار دادن به مسئولان کشور باید زجر و حبس و بدنامی رهبران و فعالین آن و انحلال و غیرقانونی نمودن حزب و مصادره اموال و محرومیت از همه امکانات و خاموش کردن همه صداها باشد؟ آیا کسی نیست که به این سؤال پاسخ دهد که اگر انذار تعدادی انگشت‌شمار برای حاکمان غیرقابل تحمل است با انذار الهی که: «وانذرالناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا ربنا ...» چه خواهند کرد؟ مگر امیرالمؤمنین و مولای متقیان علی علیه‌السلام نفرمود: «من اقر بعد ضرب او حبس او تجرید او تخویف، فلا اقرار علیه»؟ اگر این کلام حق است، که حتماً هست، آیا حبس و زجر و ترساندن آمران به معروف و ناهیان از منکر و معترضان به عملکرد مسئولان و گرفتن اقرار و اعتراف کذب‌آلود علیه آنان و در بوق و کرنا گذاشتن آن به قصد هتک حرمت و آبروی افراد آن هم به نام دین نهادن بدعتی آشکار در دین نیست؟ آیا ظلمی بالاتر از انجام چنین اعمالی به نام مقدس دین مبین اسلام و نسبت دادن این رفتارها و گفتارهای مغایر شرع و انسانیت به خدا و پیامبر وجود دارد؟ آیا در قرآن کریم نفرموده است «واصبر نفسك مع الذین یدعون ربهم بالغداه و العشی یریدون وجهه، ما علیک من حسابهم من شیئی یا: و ما من حسابک علیهم من شیئی ... یا: ولا تطرد الذین یدعون ربهم بالغداه و العشی یریدون وجهه ما علیک من حسابهم من شیئی و ما من حسابک علیهم من شیئی فتطردهم فتکون من الظالمین»؟ مگر پیامبر اکرم (ص) نفرموده است: اذا ظهرت البدع فللعالم ینظر علمه و الا فعلیه لعنه الله؟ آیا آنانی که امروز این رفتارها را با مردان مؤمن و مجاهد در راه حق، می‌کنند خود را عالم دینی نمی‌دانند و یا به حقایق امور و سوابق مردانی که نیم قرن با کمال صداقت و ایمان پاک به دین خدا و این مرز و بوم خدمت کرده‌اند آگاهی ندارند؟

ما از محضر جنابعالی می‌پرسیم آیا این رفتارها و منحل نمودن حزب نهضت آزادی ایران و در بند کردن افرادی که صداقت و ایمان و خدماتشان به ایران عزیز و اسلام در داخل و خارج غیر قابل انکار است مشکلی از مشکلات فراوان و پیچیده کشور را حل می‌کند و مانع خروج فوج فوج افراد ملت به خصوص جوانان از دین یا میهن عزیزمان و لطمه زدن به وجهه کشورمان در خارج خواهد شد؟ آیا چنین برخوردهایی، فساد، تباهی، نابودی حرث و نسل، رشاء و ارتشاء و سایر مفاسد و آسیب‌های اجتماعی را در پی نخواهد داشت؟

به نظر ما در مقابل رفتارهایی که شرح آنها رفت دو راه بیشتر وجود ندارد: یا امر به معروف و ناهی از منکر بودن و یا سکوت و تایید ضمنی پیش گرفتن. آیا علت سرنگونی رژیم‌های گذشته فقط اسم و عنوان آنها یا نوع لباس حاکمان بوده است و آیا عملکرد نادرست در لباس روحانیت از منظر الهی بدون عقاب خواهد ماند. یا آن که باید به قرآن مجید متمسک شویم که می‌فرماید: و لقد اهلکنا القرون من قبلکم لما ظلموا ... به یقین وعده الهی حق است و رهایی از عقاب او بدون تعویض عملکردها غیرممکن.

قانون اساسی یک میثاق ملی لازم‌الاتباع برای همه به خصوص حاکمان بر مسند قدرت نشستگان است و ضرورت التزام عملی حاکمان به اصول قانون اساسی، به خصوص اصول مصرحه در فصول سوم، پنجم و هفتم قانون اساسی، در رابطه با حقوق مردم و حاکمیت ملت بیشتر از مردم عادی است. اگر حاکمان قانون را رعایت نکنند نه تنها اعتبار خود را در میان مردم از دست می‌دهند بلکه به علت شکستن تعهدات و سوگندها در نزد خدا و خلق خدا، مسئول می‌باشند. خداوند از مؤمنان خواسته است که: یا ایها

الذین آمنوا او فوا بالعقود

نهضت آزادی ایران متهم به اقدام علیه امنیت ملی است. در شرایطی که انسدادهای داخلی و خطرات خارجی بیش از هر زمان کیان مملکت را تهدید می‌کند، و وفاق ملی یک ضرورت عقلانی است محاکماتی این‌چنینی و صدور احکام سنگین و انحلال یک حزب چهل و چند ساله، آیا خود بزرگترین اقدام علیه امنیت ملی نیست؟

نهضت آزادی ایران متهم به تبلیغات علیه نظام جمهوری اسلامی است. آیا چگونگی بازداشت، محاکمه غیرقانونی رهبران و اعضای نهضت آزادی و سایر شخصیت‌های ملی-مذهبی و صدور احکام سنگین، بزرگترین تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران نیست؟

آن‌چه نهضت آزادی ایران می‌خواهد این است که چون اتهامات علیه نهضت آزادی ایران حزبی که در طول تاریخ چهل و چند ساله خود، مصدر خدمات بزرگی به ایران و اسلام و انقلاب بوده است از مقوله جرایم سیاسی است و صرف نظر از صحت و سقم اتهامات، بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی و قانون احزاب (مصوب شهریور ۱۳۶۰) در یک دادگاه علنی با حضور هیأت منصفه رسیدگی شود.

از جنابعالی که خود از اعضای فعال شورای انقلاب و رئیس قوه قضائیه بوده‌اید و با سوابق و خدمات بسیاری از متهمین از نزدیک آشنا هستید، می‌خواهیم که با دید کارشناسی فقهی و حقوقی، شرعی و عرفی بفرمایید که رفتارهای دادگاه انقلاب اسلامی با کدام معیار دینی و قانونی انطباق دارد و چرا نباید نهضت آزادی ایران در یک دادگاه علنی و با حضور هیأت منصفه محاکمه شود.

ما با شناختی که از حضرتعالی داریم برایمان مسلم است که در این واقعه نیز مسیر حق را انتخاب نموده و خواهید فرمود.

و مانرید الا الاصلاح ما استطعنا علی الله توکلنا و الیه نشکوا و الیه المصیر

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران